درباره این صفحه

این صفحه هفته‌ای یک بار در مورد تحولات سیاسی و اجتماعی از نگاه نخبگان منتشر خواهد شد تا خوانندگان گرامی با مجموعه‌ای از دیدگاه‌های کارشناسان پیرامون یک موضوع مواجه شوند.

گفت‌وگو

عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت:

یک روحانی نمی‌تواند حزبی عمل کند

شرق آن‌لاین: «سیدرضا اکرمی» عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز که سه دوره نماینده مجلس بوده است از «تحزب» دفاع کرد. اما در همین حال جامعه روحانیت مبارز هیچ‌گاه حاضر نبوده است به کمیسیون ماده ۱۰ احزاب برود و اجازه فعالیت را از آن کمیسیون تحویل بگیرد، زیرا خود را یک «حزب» نمی‌داند، این مسئله سئوالی بود که «خبرنگار شرق آن‌لاین» از اکرمی پرسید و او به همراه دیگر پرسش‌ها پاسخ این سئوال را داد.

■ در تحزب چه فوایدی می‌بینید؟

در کشور ما که نظام پارلمانی است، احزاب می‌توانند کارآمد باشند و مانیفست خود را به صورت قانونی اجرایی کنند و بنابر قانون اساسی و قانون احزاب، احزاب می‌توانند از راه‌های عملی به خواسته و مطالبات خود برسند.

■ پس چرا برخی از فعالان اصولگرا با تحزب مشکل دارند و به نقد تند علیه آن می‌پردازند؟

در مورد احزاب یک پیشینه بدی وجود دارد. در قبل از انقلاب احزابی فعالیت می‌کردند که در خدمت مردم نبودند و در خدمت رژیم گذشته قدم برمی‌داشتند. لذا اکنون رسوباتی منفی از تحزب در ذهن مردم و برخی از فعالان سیاسی وجود دارد. همچنین پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز تحزب واقعی یعنی براساس مرامنامه مانیفست، آموزش‌های تشکیلاتی و خواسته‌های حزبی به وجود نیامد.

■ پس شما موانع تحقق تحزب در ایران را چه می‌دانید؟

سه نوع مانع بر سر راه احزاب وجود دارد. ۱- هیچ حزبی شکل نگرفته است تا کار حزبی بکند. یعنی ماهیت آنان با عضوگیری، عرضه اندیشه‌ها و برنامه‌ها به جامعه بیگانه است. حزب باید چه در دولت باشد، چه نباشد فعالیت مفیدی را انجام دهد و کار تشکیلاتی خود را ادامه دهد و خواسته‌های خود را به نهادهای قانونی ارائه کند اما اکثراً این طور نیستند. ۲- به دلیل اینکه ما به دنبال این هستیم که حرفمان به کرسی بنشیند والا حرف دیگران را قبول نداریم. وقتی فردی وکیل و وزیر می‌شود به دلیل گرفتاری‌های کاری و همچنین این صفات قدرت تحملش پایین می‌آید و از تحزب و قبول نظرات حزب خود استنکاف می‌کند. این است که تحزب در ایران همواره راکد است. ۳- افراط و تفریط دیگر عامل است. فردی که رای می‌آورد دیگر تمام کارهای خود را درست می‌داند و هیچ عیبی در آن نمی‌بیند و اگر شکست بخورد دیگر منفعل و راکد می‌شود.

■ چرا روحانیون ایران با وجود حضور در عرصه سیاست، از فعالیت حزبی استنکاف می‌کنند و مجموعه‌های خود را حزب نمی‌دانند؛ نه جامعه روحانیت و جامعه مدرسین و نه مجمع روحانیون و مجمع مدرسین؟

اصولاً روحانی یک حالت عام و عمومی دارد که تحزب و حزبی شدن خاص است. روحانی با این ویژگی نمی‌تواند حزبی عمل کند و می‌خواهد همچنان پدرانه رفتار کند. از سوی دیگر به دلیل سابقه و رسوبات ذهنی نسبت به تحزب این مسئله تشدید شده است.

■ شما هم برای انتخابات لیست می‌دهید و احزابی همچون موتلفه هم همین کار را می‌کنند. پس چرا از کمیسیون ماده ۱۰ مجوز نمی‌گیرید و خود را حزب نمی‌دانید؟

احزاب در غیر از زمان انتخابات هم فعالیت می‌کنند، اما ما فقط هر دو هفته جلساتی داریم و فقط زمان انتخابات لیست می‌دهیم. این تفاوت ما با احزاب است. باید گفت که جامعه روحانیت فقط برای مبارزه در ایام انقلاب دور هم جمع شده‌اند.

■ واقعاً دلیل اصلی شما برای تشکیل جامعه روحانیت و یا ادامه حیات این تشکل چیست؟

جامعه روحانیت براساس توصیه امام که فرمودند روحانیت دور هم جمع شوند تشکیل شده است. ما همچنین در نامه‌هایی به بزرگان تذکراتی هم می‌دهیم.

■ پس فرقی میان جامعه روحانیت و جامعه مدرسین وجود ندارد؟ شما در تهران هستید و آنها در قم. تازه می‌خواهید برای خبرگان هم یک لیست دهید.

ما برای خبرگان معیارهایی داریم. البته خبرگان زیاد به گرایش‌های فکری ربطی پیدا نمی‌کنند. افراد معدودند و باید به عنوان مثال ویژگی‌های یک امام جمعه را داشته باشند نامزدهای خبرگان استانداردهای مورد نظر خودشان را دارند؛ زیاد حزبی و تشکیلاتی نیست. سعی ما بر تفاهم و تعامل با جامعه مدرسین است. البته اگر بر سر برخی افراد به نتیجه نرسیم، ما لیست خودمان را اعلام می‌کنیم.

■ چرا دبیرکل شما یعنی آیت‌الله مهدوی کنی این قدر کم فعالیت می‌کند؟

این طور نیست. ایشان در اکثر جلسات حضور می‌یابند، نظر می‌دهند و وظیفه جمع‌بندی نظر اعضا را برعهده دارند و بیانیه‌ها و اطلاعیه‌ها با امضای ایشان معتبر است.

■ ولی ایشان با توجه به انتخابات ریاست جمهوری و عدم قبول نظرش، آن گونه همچون گذشته به فعالیت سیاسی نمی‌پردازد.

به‌خاطر این مسئله‌ای که شما می‌گویید، نیست. دیگر هر فردی که پا به سن می‌گذارد و کسالت داشته باشد، نمی‌تواند مثل گذشته فعالیت کند. دلیلش فقط همین است.

بازسازی و تولد احزاب

شرق آن‌لاین: فعالیت حزبی در ایران از بعد از به قدرت رسیدن جریان اصلاحات جان تازه‌ای به خود گرفت. خاصه آنکه تمامی شعارها و وعده‌های اصلاح‌طلبان معطوف به استقرار دموکراسی در کشور می‌شد. احزاب جدیدی متولد شدند و احزاب قدیمی نیز دست به بازسازی و احیای خود زدند. شاید هشت سال زمان کمی برای گسترش دامنه فعالیت این احزاب محسوب می‌شد اما فرصت طلایی ای ایجاد شده بود تا نه تنها لایه‌های مختلف قدرت نگرش خود را در این زمینه تغییر دهند، بلکه اقشار مختلف جامعه ضرورت حضور احزاب قوی در این کشور را حس کنند. زیرا تا پیش از این زمان نوعی بدبینی و سوءظن نسبت به فعالیت حزبی در میان مردم وجود داشت که قطعاً بخش مهمی از علت آن به عدم موفقیت احزاب در ایجاد پل ارتباطی مستقیم میان کادر مرکزی خود با مردم به ویژه اقشار فرودست جامعه از دوران‌های گذشته برمی‌گشت. به طوری که این شک و تردید همچنان در برقراری رابطه میان مردم و احزاب حرف اول را می‌زند و جمله معروف آنها دلشان به حال مردم نمی‌سوزد و به فکر منافع خود هستند، هنوز لقلقه زبان بسیاری از عوام است. به هر ترتیب ضرورت وجود احزاب قوی در کشور مسئله‌ای نیست که با کنار رفتن اصلاح‌طلبان از قدرت و نیز تسلط کامل محافظه‌کاران بر تمامی قوای کشور در یک سال گذشته به فراموشی سپرده شود. محافظه‌کاران که خود هم‌اکنون جدای از برخورداری از احزاب متعدد به لحاظ نگرش به عملکرد دولت جدید چند دسته شده‌اند، به خوبی می‌دانند که کارکرد تشکیلات منسجم و سازمان‌یافته بسیار اثرگذارتر از اقدامات انفرادی و یا هیات‌گونه است. آنان نیز به تداوم حیات و رشد بالندگی احزاب خود می‌اندیشند و برای تحقق این هدف به دنبال تهیه برنامه‌های راهبردی هستند. هرچند که از همان نقطه ضعف اساسی یعنی عدم برقراری ارتباط با مردم رنج می‌برند که احزاب اصلاح‌طلب نیز با آن مواجه هستند. شاید آنها توانسته باشند در مواقعی آرای اقشار سنتی جامعه و بازار را جلب کرده باشند اما عملاً این فقط در زمان انتخابات کارکرد داشته است ولاغیر. البته به نظر می‌رسد این نقطه ضعف خود به گونه‌ای به ناتوانی احزاب در ایران (چه محافظه‌کار و چه اصلاح‌طلب) در کادرسازی برمی‌گردد. به عنوان نمونه می‌توان به برخورد حزب مشارکت در جذب نیرو اشاره کرد که وقتی ایجاد شد، به دلیل پیروزی چشمگیر آقای خاتمی و وجود شور و حال خاص به وجود آمده در میان مردم به ویژه نسل جوان از این پیروزی اقبال زایدالوصفی برای فعالیت در این حزب را شاهد بودیم اما مشارکت نتوانست تعداد کثیری از این نیروهای بالقوه را جذب کرده و حتی برای آینده حضور خود در قدرت آنها را آموزش داده و تربیت کند. این موضوع در آن زمان موجب آزردگی بسیاری و در نتیجه از دست دادن نه‌تنها سمپاتی و هواداران کثیری از جوانان شد بلکه رای آنها را در انتخابات بعدی تحت‌الشعاع قرار داد! هر چند که به طور حتم رهبران و اعضای شورای مرکزی مشارکت از زاویه‌ای نسبت به عدم جذب این همه داوطلب ورود به حزب حق داشتند. حزبی نوپا چگونه می‌توانست در ابتدای فعالیت خود بی‌هیچ برنامه‌ای سیلی از جوانان مشتاق و هیجان‌زده از فضای آن زمان را در دل خود جای دهد و آن‌وقت شاید سرخوردگی این افراد بسی فراتر از عدم جذب آنان می‌بود. در هر صورت با توجه به آن ضرب‌المثل معروف «رهرو آن است که آهسته و پیوسته رود»، شاخصه اصلی احزاب می‌تواند تداوم راه از طریق تعیین تاکتیک‌های متناسب با زمان و نیز سطح مطالبات مردم در سایه استراتژی مشخص و شفاف باشد و نه اینکه در هر انتخاباتی با یک احوالپرسی با مردم و کشاندن آنها به پای صندوق‌های رای خاتمه یابد. هفته گذشته در زمینه دامنه فعالیت تشکیلاتی احزاب، موانع پیش روی آنها، نحوه عضوگیری و کادرسازی و سایر مسائل از جمله منابع مالی با نمایندگانی از احزاب فعال در همین صفحه گفت‌وگوهایی انجام دادیم که به دلیل اهمیت موضوع و گستردگی تعداد احزاب موجود در کشور این بحث را در این هفته نیز با اعضای شورای مرکزی احزابی دیگر ادامه می‌دهیم.

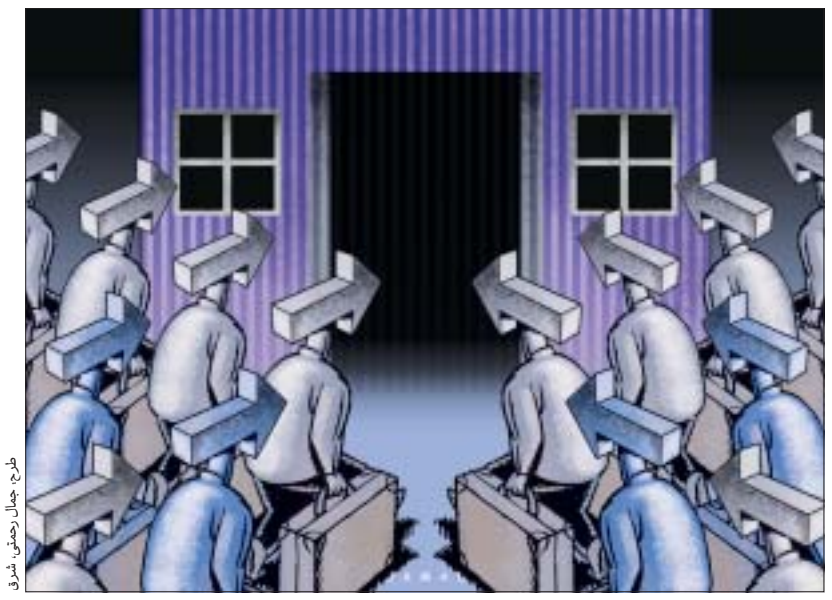

طرح: جمال رحمتی، شرق

حسین الله‌کرم عضو ارشد نوسازی معنوی حزب‌الله:

جریان‌های حزب‌اللهی حزب نیستند

شرق آن‌لاین: بهترین عنوان برای معرفی «حسین الله‌کرم» همین نام و نام‌خانوادگی است. او عضو موسس «انصارحزب‌الله» و منتقد جدی «محمد خاتمی» کاندیدای ریاست جمهوری دوره هفتم بود. همواره با شعار «تسامح و تساهل» مخالف است اما در گروه «انصار حزب‌الله» نماند و به همراه دو عضو دیگر اعلام کرد که دیگر «انصار حزب‌اللهی» نیست او البته عنوان «حزب‌الله» را فراموش نکرد و عضو موثر دو تشکیلات به نام‌های «اتحادیه دانشجویان حزب‌الله» و «نوسازی معنوی حزب‌الله» شد. «الله‌اکرم» از ارتباط خود و همکفرانش با هیات‌های مذهبی می‌گوید و آن تشکیلات‌ها را «NGO»وار می‌داند. او با وجود انتقادات صریح و شفاف از «شرق» اما حاضر شد به سئوالات «خبرنگار شرق آن‌لاین» پاسخ دهد و در کنار پاسخ به سئوالات گلایه‌هایی را نیز دوستانه مطرح کند.

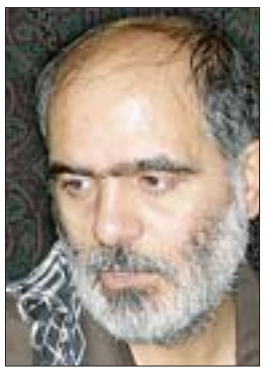

■ ■ ■

■ شما پدیده «تحزب» را چگونه تبیین می‌کنید؟

حزب، تحزب و حزب‌گرایی اساساً واژه‌ای غربی است و از ساختار و چارچوب‌های تفکر و اندیشه‌های سیاسی در غرب برآمده است و یکی از دستاوردهای مدرنیته محسوب می‌شود.

■ یعنی فقط آنان این پدیده را دوست می‌دارند؟

در بحث فراماتریالیسم و پست‌وستفالیا این ساختار چندان مورد توجه نیست. به طوری که رفته‌رفته مردم در غرب احساس می‌کنند، در چارچوب احزاب به خواسته‌های خودشان نمی‌رسند. بلکه آنان اساساً معتقدند که ساختار فعلی احزاب بیشتر به منظور دستیابی به خواسته‌های گروه‌های سیاسی یا مالی و یا گروه‌های قدرتمند دیگر است. از این‌رو مردم به NGOها روی می‌آورند و گاهی حتی از جامعه و کشور خود پا را فراتر می‌گذارند و با جوامع دیگر در یک NGO قرار می‌گیرند. از آنجا که ساختار تحزب در کشورهای مادر و در اندیشه‌های سیاسی مدرنیته جایگاه اصلی خود را از دست داده است و با چالش‌هایی روبه‌رو شده است، به نظر می‌رسد که کشورهایی که در حال توسعه هستند، می‌بایست در اتخاذ این چنین ساختار سیاسی تجدیدنظرکنند.

■ ایران چی؟

کشوری که یک‌صد سال در چارچوب دولت- ملت حرکت می‌کند، می‌تواند همچنان ساختار حزبی را بپیماید، اما نیازمند اتخاذ تغییر است. از آنجا که ساختار حکومت کنونی در ایران بر قالب جمهوریت و محتوای اسلامیت بنا گذاشته شده است و در قانون اساسی نیز حزب به عنوان یک ساختار سیاسی که وظیفه رقابت برای کسب قدرت دارد، باید تغییرات دوسویه مدنظر قرار گیرد. از یک طرف بیماری‌های الیگارشی رهبران حزبی را کاست و از طرف دیگر رقابت برای کسب قدرت را در چارچوب محتوایی اسلامی تعریف کرد.

■ پس تفاوت احزاب ایرانی با غربی را این دو تغییر می‌دانید.

البته همچنین در غرب احزاب دارای پایگاه طبقاتی هستند و از جانب آنها حمایت مالی می‌شوند. اما در ایران احزاب از ده‌ها سال پیش تاکنون دارای پایگاه‌های دولتی بودند و از رانت دولت حمایت مالی می‌شدند. زیرا در ایران طبقات شکل نگرفته است. و نوع نگاه وبری به ساختار فرهنگی می‌دهند. احزاب در ایران موفق نبوده است. از این‌رو در راستای اصلاح ساختار احزاب غربی در ایران و به عبارتی امروزی بومی سازی آن باید به تفکیک دو حوزه پرداخت. حوزه اول الیگارشی رهبران حزبی خواهد بود که از این طریق به کادرسازی بپردازند و حوزه دوم به مردم داده شود و آنها آزادانه رای خود را به صندوق‌ها بیندازند. در این میدان است که نهادهای مدنی اسلامی و ساختارهای غیردولتی براساس فرهنگ دیرپای مذهبی ایران می‌تواند کارآمد شود.

■ مجموعه‌هایی که شما در آن عضو هستید، چه تفاوتی با حزب دارد؟

جریان‌های حزب‌اللهی بیشتر شبیه نهادهای مدنی اسلامی هستند تا احزاب. در «نوسازی معنوی حزب‌الله» توجه لازم به مساجد و هیات‌های مذهبی و گروه‌های فرهنگی است.

■ مگر «انصار حزب‌الله» حزب شده بود که شما از آن جدا شدید؟

ساختار انصار حزب‌الله به حرکت خاصی در چارچوب امر به معروف و نهی از منکر تشکیل شده بود، برای حرکت‌های بعدی به ساختار جدیدی همچون «نوسازی معنوی حزب‌الله» نیاز بود که برای دستیابی به عدالت اجتماعی به تقویت اندیشه فرهنگی- معنوی در جامعه بپردازیم.

■ به تشکل‌هایی نهادهای مدنی و NGO می‌گویند که «غیرسیاسی» و «غیردولتی» باشند، اما شما و دوستانتان کاملاً سیاسی عمل می‌کنید. این را قبول دارید؟

در سازمان‌های غیردولتی مانند هیات‌های مذهبی قالب و کارکرد فرهنگی و ایدئولوژیک بیشتر از سیاسی است. اما زمان رای دادن و انجام عمل سیاسی همچون احزاب عمل نمی‌کنند، بلکه با بررسی دیدگاه‌های احزاب و سایر تشکل‌ها به سوی برخی از آنها کشیده می‌شوند. در این وضعیت گروه‌های فرهنگی هیات‌ها و مساجد که نوعاً یک رویکرد سیاسی صرف ندارند، در عمل سیاسی شرکت می‌کنند. آنان احزاب و گروه‌های سیاسی را در قالب اندیشه‌های فرهنگی قرار می‌دهند و به یکی از آنان روی می‌آورند.

■ حمایت شما و همفکرانتان از احمدی‌نژاد در این حالت تعریف می‌شود؟

به خاطر عدالتخواهی و ولایت‌پذیری آقای احمدی‌نژاد به سوی ایشان حرکت کردیم.

■ اصلاح‌طلبان معتقدند که احمدی‌نژاد توانست با یک شیوه تشکیلاتی آرای مردم را به سوی خود جلب کند. آیا مراد همین مجموعه‌های شما و دوستانتان است؟

این نهادهای مدنی اسلامی و هیات‌های مذهبی در میزان رای آقای احمدی‌نژاد نقش عمده‌ای داشتند.

■ اکنون چگونه این تشکل‌ها نظرات خود را به حاکمان جدید می‌رسانند که دیروز توانستند احمدی‌نژاد را بر کرسی ریاست جمهوری بنشانند؟

این گروه‌ها ارتباط‌های خود را در ایام ویژه مذهبی و سیاسی قرار می‌دهند. به عنوان مثال در ماه مبارک رمضان که پایگاه‌های مهمی در تهران و سراسر کشور از سوی این جریان‌ها به وجود می‌آیند، آنان دیدگاه‌های خود را از طریق منبرها، نشریات داخلی و برخی بیانیه‌ها و موضع‌گیری‌ها در آن مراسم‌ها به دولت ارائه می‌کنند.

■ با وجود اینکه کارکرد عمده این تشکل‌ها مذهبی است، ارتباط آنان با روحانیت که مولد تفکرات مذهبی هستند، چگونه خواهد بود؟

در حال حاضر مسائل اجتماعی و سیاسی را عمدتاً از بیانات مقام معظم رهبری که برای عموم ارائه می‌شود، تغذیه فکری و سیاسی می‌کنیم.

■ ارتباط رودررو با عالمان دینی و روحانیون مدنظر شما نیست؟

ما همچنین از علما و روحانیون منطقه‌ای استفاده می‌کنیم تا نظرات مقام معظم رهبری را برای ما تبیین کنند. گروه ما معمولاً با آیت‌الله علم‌الهدی - امام جمعه مشهد- ارتباط دارد. گروه‌های همسان ما در قم معمولاً با آیت‌الله خاتمی ارتباط دارند.

■ این گروه‌های به قول شما نهادهای مدنی اسلامی چگونه با یکدیگر هم‌نظر می‌شوند؟

چون توجه تمامی این گروه‌ها به بیانات مقام معظم رهبری است، این هم‌نظری ناخودآگاه ایجاد می‌شود. البته برخی تبیین‌ها ممکن است متفاوت باشد که تفاوت دیدگاه را می‌توان در این گروه‌ها دید.

■ یعنی اختلافات شما با حزب‌الله قم که از آن آیت‌الله خرازی است، از همین نوع تفاوت‌ها است؟

خیر. اصلاً تشکل آقای خرازی در حال نزدیک شدن به احزاب است و کاملاً سیاسی عمل می‌کند.

صادق نوروزی رئیس شورای سیاسی سازمان مجاهدین انقلاب:

مخاطب ما طبقه متوسط مذهبی خط امام است

شرق آن‌لاین: «صادق نوروزی» رئیس شورای سیاسی - عقیدتی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی از ۱۴ سالگی به فعالیت سیاسی روی آورده است. در دوران دانش‌آموزی در دماوند فعالیت خود را در انجمن‌های دینی - مذهبی شروع کرد که افرادی همچون هاشمی‌رفسنجانی، باهنر، امامی کاشانی و مفتح را جهت سخنرانی دعوت می‌کردند. در سال ۵۰ به دانشگاه شریف راه یافت و آن زمان بود که با اندیشه‌های دکتر شریعتی و مرحوم مطهری آشنا شد و در حالی که به گرایش‌های سازمان مجاهدین خلق سمپاتی پیدا کرده بود، اما تغییر ایدئولوژی این سازمان مانع از عضو شدن او شد. او به جای عضویت در این سازمان در «گروه مهدویون» یک گروه انشعابی از سازمان مجاهدین فعالیت کرد. در سال ۵۴ بازداشت شد و در زندان اوین و قصر دوست و یار خود را یافت و آن فردی نبود، جز «بهزاد نبوی» که امروز در کنارش است و یکی از اعضای شورایی است که «نوروزی» ریاست آن را در سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بر عهده دارد. او با عضویت در کادر سازمانی که پس از شکل‌گیری دوباره به چارچوب‌های حزبی بسیار نزدیک شده است، با «تحزب» و «رفتارهای تشکیلاتی» آشناست. از این رو «خبرنگار شرق آن‌لاین» در مورد «مشکلات تحزب در ایران» با او گفت‌وگو کرد.

■ ■ ■

■ آقای نوروزی، مشکلات عدم شکل‌گیری احزاب قدرتمند در ایران چیست؟

عوامل متعددی در این زمینه موثر است. ۱- جامعه ما هنوز استبدادزده است و رسوبات این فرهنگ همچنان در برابر شکل‌گیری احزاب می‌ایستد. ۲- برخی احزاب در گذشته به دلیل تجربه وابستگی‌شان به خارج کشور و عدم هماهنگی با منافع مردم، عملکرد موفقی نداشتند که همین دلیلی بر عدم استواری احزاب در ایران است. ۳- جامعه ما به دلیل مذهبی بودن و از سوی دیگر به دلیل اینکه جامعه مذهبی نتوانسته ارتباطی میان تحزب و مذهب ایجاد کند، لذا همواره میان مذهب و تحزب یک واگرایی وجود دارد. برخی از متدینین میان هواداری و پیروی از مراجع مذهبی تناقض قائلند، لذا این امر باعث شده است که یک مانع دیگر بر سر راه تحزب در ایران قرار گیرد.

■ یعنی هیچ چشم‌انداز امیدبخشی دیده نمی‌شود؟

پس از دوران اصلاحات تا حدی این مسئله سرعت گرفتن و تحزب در ایران پیشرفت‌هایی داشته است.

■ شما و دوستانتان در سازمان مجاهدین انقلاب که مذهبی هستید، آیا تفاوتی میان احزاب غربی و تشکیلات خودتان نمی‌بینید؟

از منظر مفهوم علمی، تحزب زاییده دنیای مدرن است و هیچ تفاوتی میان احزاب در ایران و غرب وجود ندارد؛ همچون بیمه، بانک و... البته از منظر مرامنامه و اعتقادات حزبی مطمئناً ما دین را مدنظر داریم و به آن تمسک می‌جوییم.

■ یعنی شما یک تشکیلات سیاسی - مذهبی هستید؟

مطمئناً.

■ مشکلات سازمان مجاهدین انقلاب برای توسعه فعالیت‌های خود چیست؟

در جامعه تحزب مراحل ابتدایی خود را می‌گذراند، هنوز سازمان نتوانسته است یک حزب قدرتمند، فراگیر و تاثیرگذار باشد. با گذشت ۲۵ سال فعالیت در دو مقطع زمانی همچنان خود را یک حزب جاافتاده نمی‌دانیم و هنوز به یک حزب سراسری به مفهوم واقعی آن تبدیل نشده‌ایم. البته در جامعه ما در حال حاضر چنین حزبی وجود ندارد. بر سر راه فعالیت ما سه عامل وجود دارد: ۱- در شرایط جدید نگاه منفی به تحزب دارند و یارانه احزاب را قطع کرده‌اند، ۲- موانع تاریخی یعنی ذهنیت منفی نسبت به احزاب وجود دارد و ۳- هزینه فعالیت‌های حزبی در ایران بالا است و این علتی دیگر بر عدم استقبال افراد برای عضویت در احزاب است.

■ شما فرمودید که برخی مذهبیون نگاه منفی نسبت به تحزب دارند. برای حل این معضل چه باید کرد؟

باید یکسری ارتباطات میان سیاسیون و فعالان احزاب با مراجع دینی شکل بگیرد و دیالوگ میان این دو بخش ایجاد شود تا پیوند میان مذهب و تحزب به وجود آید. همچنین حرکت‌های نمادین مذهبی به این مسئله کمک می‌کند. سازمان مجاهدین انقلاب هم در مقاطع مختلف در این مسئله تمام تلاش خود را کرده است.

■ سازمان مجاهدین انقلاب از یک طرف از سوی برخی احزاب اصلاح‌طلب به تندروی متهم است و از طرفی دیگر همراهان شما به جریان‌های اپوزیسیون قانونی که شما با آنها مرزبندی شدید دارید، نزدیک شده‌اند. آیا فکر نمی‌کنید اکنون سازمان مجاهدین انقلاب از منظر یارگیری سیاسی و جبهه‌ای تنها است؟

در پاسخ به این سئوال باید چند نکته را خدمت شما عرض کنم. اولاً ریشه فعالیت‌های ما، فکری - اعتقادی است و بر این اساس حرکت می‌کنیم، زیاد به دیگر مسائل چشم ندوخته‌ایم. ثانیاً ما اکنون با ۱۸ گروه اصلاح‌طلب ارتباط داریم و در قالب جبهه اصلاحات مشغول به فعالیت هستیم و فکر نمی‌کنم تنها باشیم. ثالثاً تنهایی حزب به پایگاه مردمی آن بازنمی‌گردد؛ نه همراهی دیگر احزاب با آن. سازمان مجاهدین انقلاب باید سعی کند که بر روی مخاطبان خود و مردم موثر باشد البته فکر می‌کنیم ما همچنان مخاطبان خود را داریم.

■ مخاطبان سازمان مجاهدین انقلاب چه کسانی هستند؟

قشر و طبقه متوسط مذهبی خط امام که طرفدار نظام جمهوری اسلامی هستند و این نظام را بنا بر دیدگاه امام قبول دارند.

■ با این تفکر و دیدگاه دفاتر و اعضای شما رو به رشد است؟

بله، در یک سال گذشته چندین دفتر در سراسر کشور راه‌اندازی کرده‌ایم و حتی تعداد اعضا نسبت به سال گذشته افزایش زیادی داشته است. ما احساس تنهایی نمی‌کنیم و در جامعه در حال حرکت هستیم و اکنون در ۲۷ استان و ۲۲۰ شهرستان دفتر و مجوز فعالیت داریم.

■ حالا چرا شما را به تندروی متهم می‌کنند؛ سازمان که مدافع نظرات امام خمینی (ره) است؟

هرکس ریشه‌های این نگرش را هدف بگیرد، از منظر دوستان تندرو است و هر کس هم به شاخ و برگ این نگرش توجه کند معتدل است. زیاد به این نوع برچسب‌ها توجه نکنید.

■ شما اکنون به دلیل عدم حضور در ساختار قدرت، اپوزیسیون به حساب می‌آیید. پس چرا به دیگر جریان‌های اپوزیسیون داخل کشور نزدیک نمی‌شوید و مرزبندی‌های خود را همچون برخی از دوستان‌تان کمرنگ نمی‌کنید؟

ما خود را اپوزیسیون نمی‌دانیم، چون که نظام و قانون اساسی را قبول داریم و در چارچوب قانون فعالیت داریم.

■ آنها هم مدعی التزام به قانون اساسی هستند. مراد اپوزیسیون قانونی است، یعنی در ساختار سیاسی قرار ندارید، اما قانون اساسی و حاکمیت جمهوری اسلامی را قبول دارید.

اگر آنها هم اینطور باشند با گفت‌وگو با آنها در چارچوب مشکلی نداریم. البته فکر می‌کنیم عملاً آنها از اپوزیسیون قانونی فاصله گرفته‌اند.

■ روشن‌تر سئوال می‌کنم. چرا سازمان مجاهدین تا به حال با گروه‌هایی همچون ملی- مذهبی‌ها و نهضت آزادی جلساتی نداشته، با وجود اینکه اکنون برخی دغدغه‌های مشترک دارند؟

گفت‌وگو با برخی از آنها را بی‌نتیجه می‌دانستیم و ضرورتی بر آن وجود ندارد و بخشی دیگر که نمی‌خواهم نامی ببرم فراتر از اپوزیسیون قانونی عمل می‌کنند که ما با این گونه تفکرات مشکل داریم. البته جلساتی هم وجود داشته، همچون جلسه‌ای که میان آقایان بهزاد نبوی و عزت‌الله سحابی در برخی از رسانه‌ها انعکاس یافت. همچنین در آینده قرار شده است این جلسات ادامه یابد که به دلیل کسالت آقای سحابی فعلاً متوقف شده است.

گفت‌وگو

قائم‌مقام حزب اعتماد ملی:

فعالیت حزبی غیرارزشی نیست

شرق آن‌لاین: «رسول منتجب‌نیا» روحانی شیک‌پوشی است که از نظر پوشش و ظاهر در رده افرادی همچون «شهید بهشتی» و «محمد خاتمی» قرار می‌گیرد. او همچون شباهت ظاهری با این افراد، از منظر سیاسی نیز فعالیت‌های تشکیلاتی را هم با آنان تجربه کرده است. او فعالیت تشکیلاتی را با دفاتر حزب جمهوری اسلامی در شهرستان‌های مختلف آغاز کرد و پس از شهادت دکتر بهشتی مسئول شورای روحانیت حزب جمهوری شد و همچنین عضو علی‌البدل شورای مرکزی این حزب بود. پس از انحلال حزب جمهوری در دیگر تشکیلات سیاسی - صنفی به نام «مجمع روحانیون مبارز» شروع به فعالیت کرد و در حدود ۱۷ سال فعالیت در این تشکل حدود ۱۴-۱۳ سال مسئولیت اجرایی این مجموعه را بر عهده داشت و در کنار دبیرکل وقت یعنی «مهدی کروبی» فعالیت‌های این مجموعه را سروسامان می‌داد. اما پس از انتخابات دوره نهم ریاست‌جمهوری به دلیل برخی مسائل به همراه «مهدی کروبی» حزب «اعتماد ملی» را برپا کرد تا با محوریت دبیرکل سابق مجمع روحانیون بتوانند «حزبی» دیگر را در عرصه سیاسی ایران برپا کنند. او اکنون با وجود اینکه استعفایش از سوی اعضای شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز پذیرفته نشده است، اما از نظر اساسنامه هر دو تشکیلات یعنی مجمع روحانیون و اعتماد ملی عضویت در هر دو را نادرست می‌داند و از این رو به فعالیت مداوم در «حزب اعتماد ملی» می‌پردازد. قائم‌مقام حزب اعتماد ملی که یک روحانی مدافع تحزب است به گفت‌وگو با «خبرنگار شرق آن‌لاین» در این زمینه پاسخ مثبت داد و به تبیین نگاه خویش و همفکرانش پرداخت.

■ با توجه به اینکه برخی از نخبگان از عضویت در «حزب» پرهیز می‌کنند، شما چه منافع و فوایدی را در این عرصه یافتید که به آن دل بسته‌اید؟

فعالیت سیاسی به گونه فردی ناممکن است و موثر نیست. از سوی دیگر بنابر قانون اساسی هرگونه فعالیت سیاسی جمعی باید در قالب صدور مجوز از سوی مراجع ذی‌ربط صورت گیرد و آن فعالیت‌ها را فقط در احزاب تعریف می‌کند. بنابراین تنها راه فعالیت سیاسی جمعی در قالب حزب گنجانده می‌شود و قابل دفاع است.

■ شما در حالی از تحزب دفاع می‌کنید، که رقیب شما در انتخابات ریاست جمهوری اخیر با این ابزار رای مردم را به خود جلب نکرد، بلکه از شیوه‌های دیگر استفاده کرد. حالا چگونه می‌خواهید با این جریان سیاسی رقابت کنید، در حالی که ابزارهای شما با آنان متفاوت است؟

بار دیگر بنده اعلام می‌کنم فقط فعالیت سیاسی جمعی باید در قالب احزاب تعریف شود، در غیر این صورت غیرقانونی و غیرمشروع است. شاید برخی بخواهند غیرقانونی عمل کنند، اما ما این طور عمل نخواهیم کرد.

■ اما آنان با همین ابزار موفق شدند.

موفق بشوند ما معتقد به استفاده از این ابزارها برای رسیدن به قدرت نیستیم.

■ آیا روحانیت نمی‌تواند فعالیت حزبی داشته باشد که برخی از آنان به «پدر» بودن خود در جامعه استناد می‌کنند؟

همان زمان که در واحد روحانیت حزب جمهوری اسلامی مشغول بودم، بعضی از بزرگان روحانی ما را از فعالیت حزبی نهی می‌کردند و ما با کمال احترام آن نظر را رد می‌کردیم، روحانیت حتی اگر بخواهد فعالیت صنفی صرف هم داشته باشد، باید بنابر قانون اساسی و قانون عادی مجوز بگیرد. اگر این کار را نکنند خلاف نص صریح قانون اساسی عمل کرده‌اند. روحانیت می‌تواند فعالیت سیاسی بکند، اما باید مجوز بگیرد. اگر هم برخی خود را «پدر» می‌دانند، نباید دیگر به یکی از نگرش‌ها نزدیک شوند، همه را اعم از «چپ، راست، بالا و پایین» دربرگیرند و فراگیر باشند، نه جریان خاصی را هدایت کنند. فعالیت حزبی ضدارزشی نیست و حتی ضروری است.

■ چرا برخی از دوستان شما در مجمع روحانیون و مجمع مدرسین خود را «حزب» نمی‌دانند؟

این یک بحث حقوقی است. بنا بر نظر کمیسیون ماده ۱۰ احزاب این دو تشکل، یک تشکل صنفی - سیاسی هستند و نمی‌توانند فقط سیاسی باشند. لذا چون فراگیر نیستند و نمی‌توانند غیرروحانی‌ها را در میان خود بپذیرند، یک «حزب» نیستند.

■ حالا می‌خواهم در مورد حزب اعتماد ملی بپرسم. منابع مالی شما با توجه به جوان بودن و هزینه‌های بسیار برای آغاز فعالیت چیست؟

بنابر اساسنامه و آیین‌نامه حزب اعتماد ملی یکی از ابزارهای مالی حق عضویت اعضا است که اعضای شورای مرکزی ملزم هستند ماهانه ۱۵-۱۰ هزار تومان بپردازند. منبع دیگر یارانه‌هایی است که دولت به احزاب می‌پردازد.

■ اما شما در آغاز فعالیت هستید، نمی‌توانید به این دو منبع دل‌خوش کنید. پس هزینه اولیه را از کجا تامین کردید؟

کمک‌های حاج‌آقا کروبی و سایر دوستان که در نهایت صرفه‌جویی توانسته‌ایم مشکلات را حل کنیم. البته در مجمع روحانیون مبارز هم هزینه عمده این تشکل توسط کمک‌های شخصی آقای کروبی انجام می‌شد.

■ آقای کروبی در میان دیگر اعضای شورای مرکزی اعتماد ملی جایگاهی بس بزرگتر در عرصه سیاسی ایران دارد. پس چگونه امکان کار جمعی وجود دارد؟

افراد یک قالب شخصی دارند و یک قالب حزبی. در حزب جمهوری هم شهید بهشتی یک شخصیت مستقل و حتی جهانی داشت اما در برابر دیگر اعضا یک رای داشت، البته اثرگذار بودند. در حزب اعتماد ملی نیز شخصیت و جایگاه حزبی جناب آقای کروبی تفکیک شده است و ایشان هم در جلسات شورای مرکزی یک رای دارند. ایشان سعی می‌کنند حتی به‌عنوان دبیرکل که رای قاطع شورای مرکزی را داشتند، نظر سایرین را نیز لحاظ کنند.

سرطان غیر از درد، هزینه دارد
موسسه خیریه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان "ماهک"
تل